

خاندهای قدیمی گیلان و مازندران

از بررسیهای شیرین و دامنه‌دار در خاک گیلان و مازندران مطالعه نامهای خاندهای قدیمی است که در دهکده‌های دورافتاده تا امروز بر جای است. در دهکده‌های کوچک، یکی دو خاندان و در دهکده‌هایی که جمعیت آنها زیاده‌تر است تا پنج شش خاندان دیده می‌شوند. معانی پاره‌ای از این نامها بر ما پوشیده است، زیرا بسیاری از این نامها در گذشته‌های بسیار دور باین خاندانها داده شده است. اینک نمونه‌ای از اینها را که در دهکده‌های مختلف گردآوری کرده‌ام یا در متون تاریخی گیلان و مازندران به آنها برخورد کرده‌ام، در اینجا می‌آورم. آریج = آروچ = آریژ - از خاندانهای ساکن در دهکده درون (بکسر دال) نمارستاق و از خاندانهای ساکن در دهکده یالو از دهکده های یالورودنور و از خاندانهای ساکن در هتر (بفتح هاء و تاء) یالورودنور. این خاندان قدیمی در گچسر لورا نیز هستند و سنگ قبری مورخ ۹۴۰ قمری نگارنده در راه سرک به شهر ستانک دید که پس از ذکر نام صاحب قبر کلمه «آروچ» بر آن حک شده بود.

آهنگر : از خانواده‌های ساکن در سلور (بکسر سین) و دوزور (بکسر دال) نمارستاق نور. آهنگری : از خاندانهای ساکن در سالجان کجور.
 آهی : از خاندانهای ساکن در نمارستاق نور. این خاندان قطعاً از آه از دهکده‌های اطراف رودهن یا اینجا آمده‌اند.
 اجاقی : از خاندانهای ساکن در فیر و زکلاهی پائین از دهکده‌های حومه شهر کجور.

ارغات (بضم الف) : از خاندانهای ساکن در دهکده نج میانرودنور.
 اژدر ، از خاندانهای ساکن در لشتن‌شاه گیلان (تاریخ گیلان عبدالفتاح قومنی ص ۱۹۵ ، ۱۹۷ ، ۲۶۷ ، رؤسای اژدر : ۵۹ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۱۹۵ ، ۲۶۷ ، سرداران اژدر : ۲۶۸ ، ۲۷۰ ، ۲۷۸ .
 اسفندیاری ، از خاندانهای ساکن در پوش از دهکده‌های اوزرودنور و از خانواده های ساکن در نیتل (بکسر نون و سکون یاء و فتح تاء) کجور .

اسمیلود = اسمیلود : خاندان امیران کوچسفهان (تاریخ گیلان و دیلمستان ص

۳۳ ، ۴۵ ، ۴۹ ، ۷۱)

الموتی : از خاندانهای ساکن دهکده ناحیه (= نایه) از دهکده‌های اوزرودنور .

امانی : از خاندانهای ساکن در پیچده از دهکده‌های اوزرودنور .

امیرکا : از خاندانهای ساکن در طبرستان (تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ص ۱۵۲)

امیری : از خاندانهای قدیمی دهکده ارگان (بفتح لام) از دهکده‌های زانوس رستاق کجور .

انگریج (منسوب به انگرود) ، از خاندانهای قدیمی ساکن دهکده نسن (بکسر

نون و سین) از دهکده‌های اوزرودنور که امروز به یزدانی و ناماور

معروف شده‌اند .

اتوزوند ، خاندان امیران کوهدم (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۲۹۲)

اوجی : خاندان امیرانی که مرکز شان لوشان بوده است (تاریخ گیلان و

دیلمستان ص ۲۶۱)

ایرجی : از خاندانهای ساکن در دهکده ساس از دهکده‌های زانوس رستاق کجور .

ایلکائی ، از خاندانهای ساکن در لاشک کجور . ظاهراً از دهکده «ایلکاه» به اینجا آمده‌اند .

بابوکر (بفتح کاف) ، از خاندانهای ساکن نج از دهکده‌های میانرودنور .

باروج : از خاندانهای ساکن در کیاکلا از دهکده‌های زانوس رستاق کجور

منسوب به دهکده «باروه» که از میان رفته است .

باغن (بکسر غین) ، از خاندانهای ساکن در دیولات (بفتح دال و کسر واو)

میانرودنور و همچنین در پنجو (پنجاب) نمارستاق نور .

بالو ، از خاندانهای ساکن در پیل و نسن (بکسر نون و سین) از دهکده‌های اوز-

رودنور . میگویند این خاندان از حوالی شیراز آمده‌اند .

بالی ، از خاندانهای ساکن در لاشک کجور .

باوند = باوندان : از خاندان سلاطین کوهستان طبرستان (تاریخ طبرستان ابن

اسفندیار ص ۸ ، ۵۹ ، ۸۱ ، ۱۰۶ ، ۱۲۲ ، ۱۴۱ ، ۱۴۷ ، ۱۵۳)

(تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۵۸ ، ۶۰) (تاریخ طبرستان

ج ۲ ص ۵۲ ، ۵۶ ، ۸۲ ، ۸۹)

بایمان ، مردان تیرانداز را بایسی گویند (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۳۹)

بایمان بیرون همیشه (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۷) بایمان رکابدار

(تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۳۷) علی بایمان (تاریخ طبرستان ج ۲

(۵۷ س

بختیاری : از خاندانهای ساکن نسن (بکسر نون وسین) از دهکده‌های اوزرود.

(نور

بز : از قبایل ساکن لیل که به قول سید ظهیر الدین اصل ایشان عرب است

(تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۱۷)

بسام : از قبایل ساکن دهکده لیل لاهجان که به قول سید ظهیر الدین اصل

ایشان عرب است (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۱۷)

بکر (بفتح باء وکاف) : از خاندانهای ساکن گیل کلای میخساز کجور که از نور

بدینجا آمده‌اند .

بنا (بفتح باء) : از خاندانهای ساکن کندلوس از دهکده‌های میخساز کجور .

بندپی‌ای : از خاندانهای ساکن در امره (بفتح الف) از دهکده‌های نمارستاق

نور .

بنهلس (بکسر باء ونون ولام) : از خاندانهای ساکن امره از دهکده های نمار-

ستاق نور .

بهزادپیکان بزرگ : از خاندانهای ساکن دهکده یالو از دهکده‌های یالورود نور.

بهزاد پیکان کوچک : از خاندانهای ساکن یالو از دهکده‌های یالورود نور .

بهزادی : از خاندانهای ساکن یالو از دهکده‌های یالورود نور .

بهین : (بفتح باء) : از خاندانهای ساکن در سو آ از دهکده‌های نمارستاق نور

بیلیج تبار (بکسر لام) : از خاندانهای ساکن در بل از دهکده‌های اوزرود نور .

باشاناسنگی : از خاندانهای ساکن در گیل کلای میخساز کجور که از ناسنگ

بدینجا آمده‌اند .

پروانه : از خاندانهای ساکن در پیجده اوزرود نور .

پریج : از خاندانهای ساکن کوهدم ، آنطرف آب (تاریخ گیلان و دیلمستان

ص ۲۳۶) .

پورزال : از خاندانهای ساکن در پول از دهکده‌های زانوس رستاق کجور .

پولاد : از خاندانهای ساکن در درکنار از دهکده‌های نمارستاق نور

پیج : از خاندانهای ساکن دهکده نسن (بکسر نون وسین) اوزرود نور . بر

سنگ قبری در گورستان کدیر کجور پس از ذکر نام صاحب قبر کلمه

(پیج) که نام خانواده او بود حک شده بود . پیجده اوزرود نور به نام

این خاندان نامگذاری شده است .

- تجاسبی : خاندان امیران رشت . (تاریخ گیلان و دبلستان ص ۴۱ - ۴۶ - ۴۰۳).
- ترك : از خاندانهای ساکن در پیل ازدهکده‌های اوزرودنور و شهر کجور و در دهکده پیچلو حومه شهر کجور .
- تکاکله : از خاندانهای ساکن در آمل (تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۵۱ و تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۳۳ - ۳۴)
- تنهيجان : از تیره‌های ساکن در گیلان (تاریخ طبرستان و رویان ص ۴۹)
- تنی (بضم تاء و تشدید نون) : از خاندانهای ساکن در فیروزکلای بالا حومه شهر کجور .
- تیرگر : از خاندانهای ساکن در کفازدهکده‌های نمادستاق نور که شغل ایشان ساختن تیر بوده است . این خاندان در کوشک‌لورا نیز ساکن اند .
- تینجان : شاید منسوب به تینه ازدهکده‌های دامنه دماوند کوه . (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۰)
- جلالی : از خاندانهای ساکن در یالو و مرج ازدهکده‌های یالورودنور .
- جشیج = جشیجان : از خاندانهای ولایت کوه‌دمد آنطرف آب (تاریخ گیلان و دبلستان ص ۴۳۴ - ۴۳۶)
- جلهت (بضم جیم و سکون لام و فتح هاء) : از خاندانهای ساکن در سوآ ازدهکده های نمادستاق نور .
- جمشیدی : از خاندانهای ساکن در دهکده بوش اوزرودنور و از خاندانهای ساکن در چل (بکسر چ) میانرودنور و ساکن در انکاس و ورازان کجور .
- جهاندار : از خاندانهای ساکن در لاشک کجور .
- جالی : از خاندانهای ساکن در شیخ محله نمادستاق نور .
- چپک : از خاندانهای ساکن در لشته نشای گیلان (تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۵۹ ، ۶۷ ، ۱۶۶ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۱۹۵ ، ۱۹۷ ، ۲۶۷ ، ۲۶۸ ، ۲۷۰ ، ۲۷۸) چپکوند (تاریخ خانی ص ۲۲۷ ، ۲۳۱)
- چرخ : از خاندانهای ساکن در نسل (بفتح نون و کسر سین) نمادستاق نور .
- چلیندان : از خاندانهای ساکن در تنکابن (تاریخ خانی ص ۲۶۷)
- حصارلو : از خاندانهای ساکن در تنکابن که در زمان شاه عباس بدینجا آمده‌اند (تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۲۷۴)
- حیدری : از خاندانهای ساکن دهکده ناحیه (= نابه) اوزرودنور .

خادمی : از خاندهای ساکن در بلده میانرودنور. این خاندان بعلمت اینکه دو تکیه بالاوپائین این دهکده را نگاهداری میکردند باین نام معروف بوده‌اند. امروز «مین‌باشیان» شده‌اند.

خافان : از خاندهای شهر رشت (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۲۷۱).
 خجیر (بضم خاء) : از خاندهای ساکن در انگاس حومه شهر کجور.
 خسروی : از خاندهای ساکن در لرگان (بفتح لام) از دهکده‌های زانوس رستاق کجور.

خسینگ (بکسر خاء) : از خاندهای ساکن در دهکده نمارمارستاق نور.
 خطیب : از خاندهای ساکن در پیل از دهکده‌های اوزرودنور.
 خواجه : از خاندهای ساکن در بلده از دهکده‌های میانرودنور. خواجه‌نوریه‌ها منسوب باین خاندان هستند. در کسبل و کوشک از دهکده‌های لورا این خاندان نیز زندگی میکنند. خواجهگان (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۳۲۸) خواجهگان رشت (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۲۸۷) خواجهگان لاهجان (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۶۲ و ۹۵) خاجوی : از خاندهای ساکن در صالحان کجور. خواجه نوری : از خاندهای ساکن در کدیر کجور.

خواجه‌وند : از ایلات کرد که علی‌اللهی هستند و آقا محمدخان قاجار ایشانرا به چنددهکده از دهکده‌های کجور و کلاردشت کوچانده است. پاره‌ای از این خواجه‌وندها بنام «خواجه‌وند خزاعی» معروف‌اند.
 خورداوند : از خاندان کلاراسبهبدان (تاریخ طبرستان و رویان و مازندران سید ظهیرالدین ص ۴۷ ، ۴۹ ، ۴۱۱) (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۱ ، ۱۴۰)

داودی : از خاندهای ساکن در یوش از دهکده‌های اوزرودنور.
 دبشوس (بفتح دال) : از خاندهای قدیمی دهکده نج میانرودنور.
 درویش : از خاندهای ساکن دهکده‌های کلاک بالا، ناحیه (= نایه)، انگرود از دهکده‌های اوزرودنور و در هتر (بفتح هاء و تاء) یالورودنور (در محل می‌گفتند که ایشان از قندهار آمده‌اند) و ساکن دهکده نج میانرودنور و در عبدالمناف نمارستاق نور و در اطاق سرای نمارستاق نور [در محل می‌گفتند که ایشان از لاسم (بکسر سین) آمده‌اند] و از خاندهای ساکن در کدیر کجور.

درزی : از خاندهای ساکن در بردون (بضم باء) کمرود (بضم کاف و میم) نور. در تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۳۲۵ و ۳۲۶ و تاریخ طبرستان و

رویان و مازندران ص ۱۰۰ و تاریخ خانی ص ۸۶ ، از این خاندان یاد شده است .

دش ملا (بفتح دال وضم میم وتشدید لام) ، از خاندانهای ساکن در ناحیه (= نایه) از دهکدههای اوزرودنور .

دهجه : از خاندانهای ساکن در اشکور (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۳۱) دیلم : ساکنان ناحیه دیلمان . در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص

۴۷ و تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۱ و تاریخ خانی ص ۱۴۳ ، از این مردم یاد شده است . دیالمه اشکور (تاریخ خانی ص ۱۴۳) . دیالمه ولم (بفتح واو ولام) = دیالمه و لامجان (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۸۳ ، ۲۰۳ ، ۲۳۵ ، ۲۳۷)

دیلمی : از خاندانهای ساکن در کلری (بضم کاف ولام) از دهکدههای نامرستاق نور .

دیوسالار : از خاندانهای ساکن یا الوازدهکدههای یا لورودنور می گفتند اینان از کالج بدینجا آمده اند .

رستمی ، از خاندانهای ساکن در انگاس حومه شهر کجور .

رودباری : از خاندانهای ساکن در مونیج از دهکدههای میخساز کجور که امروز از میان رفته اند فقط دوسه خانوار بنام «کرمانی» از ایل خواجهدوند در این دهکده زندگی میکنند .

رودگر : از خاندانهای ساکن در بلده از دهکدههای میانرودنور .

رویانی : از خاندانهای ساکن در شهر کجور .

رئیس : از خاندانهای ساکن در پیل از دهکدههای اوزرودنور .

زاغه‌یشت ، از خاندانهای ساکن در خواجک کجور .

سادات ، از خاندانهای ساکن میر کلا از دهکدههای میخساز کجور که در محل می گفتند که ۱۸۰ سال پیش از شاهانه دشت لاریحان بدینجا آمده اند .

سادات حسینی ، از خاندانهای ساکن در لرگان از دهکده های زانوس رستاق کجور . و ساکن در ورازان و صالحان کجور .

سادات حسینی = سادات پلاسید (بکسر پ وتشدید یاء) ، از خاندانهای ساکن در یالو از دهکدههای یا لورودنور .

ساروقی : از خاندانهای ساکن در طبرستان (تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۷۸)

سالوک (= صعلوک) ، از خاندانهای ساکن در گیلان (تاریخ طبرستان و رویان

ومازندران ص ۴۹) مسعود سالوک دجاج از اکابر لشته‌نشا (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۹۳).

سپل (بفتح سین و پ) : از خاندانهای ساکن در گیل کلا از دهکده های میخساز کجور . در محل می گفتند که از فومن بدینجا آمده‌اند .
سربار (بفتح سین) : از خاندانهای ساکن در یاسل (بفتح سین) از دهکده های اوزرودنور .

سرتیز : از قبایل ساکن در دهکده لیل لاهجان که به قول سیدظهیرالدین اصل ایشان عرب است (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۱۷) در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران اثر دیگر این مؤلف، ظاهراً همین قبیله به نام «سرتیزی» خوانده شده است (تاریخ طبرستان و رویان ص ۷۸) احتمال دارد این کلمه با «سورتیج» و «سورتیجی» ارتباط داشته باشد ابوالعباس سورتیج (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۷) .

سلطانی : از خاندانهای ساکن در لرگان از دهکده های زانوس رستاق کجور و از خاندانهای ساکن در بلده از دهکده های میانرودنور .
سولکسری (به سکون لام و فتح سین دوم)، از خاندانهای ساکن در نج از دهکده های میانرودنور .

سیاه پشت : از خاندانهای ساکن در خواجک کجور .

سیف : از خاندانهای ساکن در ناحیه (= نایه) وانگرود از دهکده های اوزرودنور و درنسل (بفتح نون و کسر سین) از دهکده های نارستاق نور .

شب (بکسر شین) : از خاندانهای ساکن در یالو از دهکده های یالورودنور .

شریار (بفتح شین) : از خاندان های ساکن در نج از دهکده های میانرودنور .
در محل معروف بود که از شیراز بدینجا آمده‌اند .

شریح : از خاندانهای ساکن در تنکابن (تاریخ گیلان قومی ص ۲۷۳، ۲۷۴) شنکل (بفتح شین و ضم گاف) : از خاندانهای ساکن در نج از دهکده های میانرودنور . شنگله در لاریجان منسوب باین خاندان است .

شهبازی : از خاندانهای ساکن در فریزکلای پائین حومه شهر کجور .
شیرج = شیرجان (بفتح راء) : از خاندانهای ساکن در مازندران . درویش محمد شیرج (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۳۰۳)

شیریج (ظاهراً شکل دیگری از «شیرج» است) : از خاندانهای قدیمی ساکن

- درویسر (بکسر واو و سکون یاء و فتح سین) از دهکده های زانوس رستاق کجور . احتمال دارد «شریخ» تصحیفی از این کلمه باشد .
- شیر زیلوند = شیره زیلوند: از کلاراسپهبدان (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۱)
- (تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۴۷) علی شیره ذیل (تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۶۳) .
- شکور (باشین ابتدا به ساکن و فتح کاف و واو) : نام مردم ساکن در خاک اشکور امروز (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۳۷) .
- طالش : مردم ساکن در پنج بخش طالش نشین گیلان (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۳۴۱) حسام الدین طالش (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۴۷۳)
- طالقانی : از خاندانهای ساکن در پول از دهکده های زانوس رستاق کجور .
- غوله : از خاندانهای ساکن در گیل کلا از دهکده های میخساز کجور .
- فارسی : از خاندانهای ساکن در بلده از دهکده های میانرودنور .
- فاضلی : از خاندانهای ساکن و یسر (بکسر واو و سکون یاء و فتح سین) از دهکده های زانوس رستاق کجور . در محل می گفتند که از گیلان بدینجا آمده اند .
- فردوسی : از خاندانهای ساکن در پالو از دهکده های پالورودنور .
- فیروزی : از خاندانهای ساکن در فیروزکلای بالا حومه شهر کجور .
- قاروند = قاروندان : از خاندانهای ساکن در کوهستان طبرستان . (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۲۰ ، ۵۲ ، ۶۱) امیر مهدی لفور قاروند (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۳۳) *از مطالعات زرنگی*
- قزوینی : از خاندانهای ساکن در پل (بکسر یاء) از دهکده های اوزرودنور و از خاندانهای ساکن در فیروزکلای بالا حومه شهر کجور .
- کاشانی : از خاندانهای ساکن در سن (بکسر نون و سین) از دهکده های اوزرودنور که امروز بنام «مهدوی» معروف شده اند .
- کاکو = کاکوان : از خاندانهای ساکن در تنکابن (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۳۰ ، ۴۷) . نام این خاندان مقدم بر اسم نظیر کاکو حسام الدین (تاریخ خانی ص ۵۲ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۹۱) و کاکو دارا بن امیره (تاریخ خانی ص ۲۹۲ ، ۲۹۳) نام این خاندان مؤخر بر اسم نظیر : پاشا جمشید کاکو (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۴۴۸) .
- کامیاروند : خاندان بزرگی از دیالمه (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۳۰) .

- کرام : از خاندانهای ساکن در لیل لاهجان که به قول سید ظهیرالدین اصل ایشان عرب است (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۱۷).
- کرد : از خاندانهای ساکن در ناحیه (= نایه) از دهکده‌های اوزرودنور .
کردنائیچ : از خاندانهای ساکن در کدیر کجور .
- کسیلی : از خاندانهای ساکن در مرج (بفتح میم) از دهکده‌های یالورودنور .
این خاندان بی‌شک از دهکده کسپیل لورا بدینجا کوچ کرده‌اند.
- کشج (بضم کاف و کسر شین) : از خاندانهای ساکن در گیلان ، شیروی خراودی کشج (تاریخ خانی ص ۲۲۷-۲۲۸)
- کلوت (بضم کاف و لام) : از خاندانهای ساکن در خجیر کلا از دهکده های اوزرودنور . تمام ساکنان آسیاب در گاه از دهکده‌های لورا و کلوت ، هستند .
- کلانتر : از خاندانهای ساکن در بلده از دهکده‌های میانرودنور . بعضی از افراد این خاندان به نام «نورزاده» معروف شده‌اند.
- کلج (بفتح کاف و کسر لام) : از خاندانهای ساکن در بلده از دهکده‌های میانرودنور . کلج بر سنگ قبری در گورستان کلاک پائین اوزرودنور دیده‌شد.
- کلوانی : از خاندانهای ساکن در نیتل (بکسر نون) کجور .
- کمانگر : از خاندانهای ساکن در ایوا از دهکده‌های میانرودنور .
- کوچ : از خاندانهای ساکن در پی ده از دهکده‌های میخساز کجور .
- کوسارج (بکسر راه) : از خاندانهای ساکن در مازندران . کالجار کوسارج (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۱) .
گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- کوشیج : از خاندان امرای دیلمان . امرای کوشیج (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۸۹-۱۳۵) امیر کوشیج (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۸۹-۱۲۰)
- کیا ایران ملک کوشیج (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۲۸-۱۲۹)
- مرکز حکومت خاندان کوشیج در «مرجکولی» دیلمان بوده است (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۶۶) نام « کوشیجان » به یکی از نواحی دیلمان اطلاق شده است (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۸۸)
- کیایمان کوشیج (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۶۶-۱۶۹-۱۷۱) .
- کیسمانج = کیسمانان : از خاندانهای ساکن در مازندران . علی گور سالار کیسمانج (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۱) کیسمانان (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۲)

کیا : ازخاندانهای ساکن درهتر (بفتح هاء و تاء) از دهکده‌های یالورود نور و ازخاندانهای ساکن درلاشک کجور.

نام این خاندان در صفحات مازندران زیاد شنیده می‌شود. سادات که خود را بدین خاندان منسوب کرده‌اند، این نام پس از نام اصلی ایشان ذکر می‌شود نظیر سید علی کیا و سید امیر کیا ولی در نام ساکنان اصلی مقدم بر نام خود آورده‌اند نظیر کیا بزرگ امید. ظاهراً این نام در گذشته حالت لقب داشته که امروز به شکل نام خانوادگی بکار می‌رود.

کیایان جلال فرزندان جلال ازرق که در مازندران حاکم بوده‌اند (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۶۳) کیایان شیرامه مرکزشان کمال کلاته نائل بوده است (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۳۰۳) کیایان هزاراسپی (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۶۶-۱۲۱-۱۳۲).

گاوان : ازخاندانهای ساکن در طبرستان (تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ص ۱۸۴).

گرچی : ازخاندانهای ساکن در گرجیان گیلان (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۳۱-۲۸۳) (تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۴۷ و تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۱).

گرم (بفتح گاف) : از خاندانهای ساکن در یاسل (بفتح سین) از دهکده‌های اوزرود نور. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گستامیران : از خانواده‌های ساکن در سمام (بضم سین) (تاریخ خانی ص ۲۱۷ - ۲۱۹-۲۲۰-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۳۱-۲۳۳-۳۳۷) شکل

قدیمی‌تر این کلمه و وستامیر است (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۲). کلیچ (بضم گاف و کسر لام و سکون یاء و جیم) : ازخاندانهای ساکن در کلیجان تنکابن و کلیجان (باکاف مضموم) مازندران (تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۱۳۱-۱۳۷) (تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۴۷).

گودرزی : ازخاندانهای ساکن در پیچده از دهکده‌های اوزرود نور.

گیل : مردم ساکن در گیلان و ازخاندانهای ساکن در زانوس کجور. در محل می‌گفتند که از قومن بدینجا آمده بوده‌اند. خاندان پاشا مختاری آنان را در خود حل کرده‌اند و ازخاندانهای ساکن در گیل کلا از

دهکده های میخساز کجور . ساکنان این دهکده می گفتند که ایشان نیز از قوم بدینجا آمده اند .

گیلک : از خاندانهای قدیمی نیچکوه از دهکده های میخساز کجور . در محل می گفتند که در حدود دوست سال قبل از ارنگه بدینجا آمده اند .
لاری : از خاندانهای ساکن در بلده از دهکده های میانرود نور . اینان ظاهراً پس از خرابی لار قصران از سرما و برف بدینجا روی آورده اند .
لمسو (بفتح لام و کسر میم) : لمه به معنی نمد و سوبه معنی « ساء » است و معنی لغت یعنی نمد مال . از خاندانهای ساکن در ایوا از دهکده های میانرود نور .

لوسانی : از خاندانهای ساکن دریالو از دهکده های یالورود نور .

لورجان : از خاندانهای ساکن در مازندران (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۷) =
لورجاوند (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۲) = لورجاوندان (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۲) .

لهراسب : از خاندانهای ساکن در نیچکوه از دهکده های میخساز کجور .
لیکوش (بکسر لام و سکون یاء) : از خاندانهای ساکن در دهکده لیکوش حومه شهر کجور .

مانیوند : از کلار اسپهبدان (تاریخ طبرستان و رویان و مازندان ص ۴۷-۱۴۹)
(تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۱-۱۴۰-۱۶۳) .

ماهینی : از خاندانهای ساکن در امره (بفتح الف و کسر راء) از دهکده های نمارستاق نور .

محدث : از خاندانهای ساکن در پیجده از دهکده های اوژرود نور .

مرادی : از خاندانهای ساکن در چل (بکسر ج) از دهکده های میانرود نور .
مرشتاوندان : از خاندانهای ساکن در تنکابن (تاریخ خانی ص ۲۱۱) .

مزو (بفتح میم) : از خاندانهای ساکن در پنجمو (پنجاب) از دهکده های نمارستاق نور .

مشایخ : از خاندانهای ساکن در بلده از دهکده های میانرود نور و از خاندانهای ساکن در صالحان کجور .

مشائی (بضم میم) : از خاندانهای ساکن در نمار از دهکده های نمارستاق نور .
ظاهراً از دهکده مشای دماوند بدینجا آمده اند . این کلمه در متون

قدیمی به شکل « موشا » ضبط شده است (تاریخ گیلان و دیلمستان
س ۲۸۴) .

ملا (باتشید لام) : از خاندانهای ساکن در پیل و یاسل از دهکده‌های اوزرود
نور .

ملائی : از خاندانهای ساکن در انگاس حومه شهر کجور .

من (بفتح میم) : از خاندانهای ساکن در پلریه (بضم پ و لام) از دهکده های
نمارستاق نور .

ناصرود : خاندان امیران گیلان که پیش از آمدن سادات کیائی حکمرانی
داشته اند . (تاریخ گیلان و دیلمستان س ۲۰-۴۲-۴۳-۵۲-۸۷-
۸۹-۱۰۳-۱۲۰-۱۲۱) .

نچار (به تشدید جیم) : از خاندانهای ساکن در سوآ از دهکده‌های نمارستاق
نور .

نوامی : از خاندانهای ساکن در عبدالمناف از دهکده‌های نمارستاق نور . این
خاندان مسلماً روزی از دهکده نوا از دهکده های لاریجان بدینجا
آمده اند .

نوری : از خاندانهای ساکن در مرج (بفتح میم) از دهکده‌های بالورود نور
که پس از خراب شدن دهکده خترار (بفتح خاء) بر اثر سیل بدینجا
آمده اند . خود آبادی مرج مرتع بوده است و آبادی زیاد قدیمی
نیست . از خاندانهای ساکن در شیخ مجله از دهکده های نمارستاق
نور .

ویلك (بکسر واو و سکون یاء) : از خاندانهای بسیار قدیمی ساکن در یوش از
دهکده های اوزرود نور .